

بسم الله الرحمن الرحيم

ربا

(ترجمه)

از جابر رضی الله عنه روایت است:

«لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم آكل الربا و مؤكله و كاتبه و شاهده و قال هم سواء» (رواه مسلم)

ترجمه: رسول الله صلى الله عليه وسلم سودخوار، سود دهنده، کاتب و شاهدان آن را لعنت کرده و فرمود همه آنها (در گناه سود) باهم برابرند.

در شرح نووی آمده است: این حدیث واضحاً ثابت می‌سازد که نویسندگی و شهادت بین رباخواران حرام است و نشان می‌دهد که همکاری در باطل حرام است.

شریعت اسلام سود را مطلقاً حرام ساخته، خواه مقدار آن کم باشد یا زیاد. مالی که در آن سود باشد، قطعاً حرام است، هیچ کس حق مالکیت آن را ندارد و اگر صاحب آن مشخص باشد، به وی بازگردانده می‌شود. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [بقره: 275]

ترجمه: کسانی که ربا می‌خورند، بزمنی خیزند؛ مگر هم‌چون کسی که شیطان او را سخت دچار دیوانگی سازد. این از آن رو است که ایشان می‌گویند: خرید و فروش نیز مانند ربا است و حال آن‌که الله خرید و فروش را حلال کرده و ربا را حرام نموده است. پس هر که اندرز پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) دست کشید، آنچه پیشتر بوده (و سود و نزولی که قبلاً دریافت نموده است) از آن او است و سروکارش با الله است؛ اما کسی که برگردد. این‌گونه کسانی اهل آتشند و جاودانه در آن می‌مانند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (278) فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ [بقره: 278-279]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (عذاب و عقاب) الله بپرهیزید و آنچه از ربا باقی مانده است، فروگذارید اگر مؤمن هستید؛ پس اگر چنین نکردید، بدانید که به جنگ با الله و پیامبرش برخاسته‌اید، و اگر توبه کردید (و از رباخواری دست کشیدید و اوامر دین را گردن نهادید) اصل سرمایه‌های‌تان از آن شما است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.

ویژگی ربا این است که رباخوار ربا یا سود را از زحمات مردم دریافت می‌کند و این پاداشی بدون تلاش است. هم‌چنین مالی که بابت آن ربا گرفته می‌شود، دایم در حال فایده بوده در معرض زیان قرار نمی‌گیرد. این ویژگی با قاعده "الغرم بالغنم؛ یعنی هرکسی که از مالی یا چیزی بهره می‌برد، خسارت هم بر عهده اوست" مخالف است. از این رو بهره برداری از مالی که در شراکت و مضاربت و مساقات باشد، با رعایت شرایطشان جایز است؛ زیرا جامعه از این معاملات نفع می‌برد و فایده‌ای که به صاحب مال می‌رسد، بهره‌برداری از زحمات مردم نیست؛ بلکه وسیله‌ای است که صاحب مال را قادر می‌سازد تا از تلاش خودش نفع ببرد؛ یعنی همانطور که در فایده شریک است، در ضرر نیز شریک می‌باشد و این کار از ربا فرق دارد؛ زیرا حرام بودن ربا در آیات قرآن ثابت است و در این آیات هیچ تعلیلی صورت نگرفته است. هم‌چنین سنت، اموال ربوی را واضح ساخته است.

ممکن است به ذهن خطور نماید که صاحب مال در پی حفظ دارایی خود است و شاید برای حل مشکل یک نیازمند در قرض دادن مال خود سخاوت نورزد و شخص نیازمند نتواند مشکل خود را برطرف نماید. بنابراین باید وسیله‌ای برای حل مشکلش وجود داشته باشد، بخاطر این که امروزه نیازها و مشکلات گوناگون و متنوع گردیده و ربا در همه کارها مانند تجارت زراعت و صنعت وجود دارد. از این رو تنها راهی که وجود دارد مراجعه به بانک‌های سودی است و بس؛ همانطور که برای برطرف ساختن نیازها بغیر از سود گرفتن هیچ راهی وجود ندارد.

جواب این است که ما درباره جامعه‌ای سخن می‌گوییم که اسلام در آن بصورت کامل تطبیق می‌شود و جنبه اقتصادی بخشی از آن است. سخن ما درباره جوامع کنونی نیست که همه مردم بر اساس نظام سرمایه‌داری زندگی می‌کنند و بخاطر حاکمیت این نظام موجودیت بانک از ضروریات زندگی به شمار می‌رود. بنابراین سرمایه‌داری که خودش را در ملکیت خویش آزاد می‌داند و کسی که معتقد است در بهره‌برداری از راه فریب، احتکار، قمار، سود و غیره آزاد است، بدون این که توسط دولت پیگیری شود یا به کدام قانونی پایبند باشد، بدون شک چنین کسی، ربا و بانک‌ها را جزء ضروریات زندگی می‌داند.

از این رو باید نظام اقتصادی کنونی را به صورت کامل تغییر داده و نظام اقتصادی اسلام به صورت انقلابی و همه‌جانبه جایگزین آن گردد. وقتی که نظام‌های فاسد از بین بروند و نظام اسلامی تطبیق شود، به همه مردم ثابت خواهد شد. در جامعه‌ای که نظام اسلام تطبیق می‌شود، هیچ ضرورتی به سود نیست؛ زیرا کسی که به وام ضرورت دارد یا بخاطر زندگی یا بخاطر کشاورزی وام می‌گیرد. در مورد نیاز اول باید گفت که اسلام آن را با تضمین معیشت هریک از افراد رعیت برآورده ساخته است. در مورد نیاز دوم، اسلام این مشکل را با قرض دادن به نیازمندان بدون ربا برطرف نموده است. ابن جبان و ابن ماجه از ابن مسعود روایت کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

« مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُقْرِضُ مُسْلِمًا قَرْضًا مَرَّتَيْنِ إِلَّا كَانَ كَصَدَقَتِهَا مَرَّةً » (ابن ماجه)

ترجمه: هر مسلمانی که دو بار به مسلمانی قرض بدهد، مانند این است که یک بار صدقه داده باشد.

قرض دادن به نیازمند سنت است، هم‌چنین قرض کردن کار بدی نیست؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم قرض می‌کرد. قرض گرفتن همیشه وجود دارد و برای مردم واضح گردیده است که شدیدترین زیان‌ها به زندگی اقتصادی می‌باشد؛ بلکه بر همگان آشکار شده است که نیازها تقاضا می‌کند که از ربا دوری جسته شود و باید از طریق قوانین و برنامه‌هایی بر اساس نظام اسلام میان جامعه و ربا موانع مستحکمی ایجاد کرد.

وقتی که سود از بین برود، هیچ ضرورتی به بانک‌های فعلی باقی نمی‌ماند و تنها بیت‌المال باقی می‌ماند که بدون سود به مردم وام می‌دهد، بعد از بررسی این که می‌توان از آن مال بهره برد. عمر بن خطاب به کشاورزان عراقی از بیت‌المال اموالی پرداخت کرد که زمین‌های خود را به بهره‌وری برسانند.

حکم شرعی اینست که به کشاورزان از بیت‌المال پولی داده شود که توسط آن بتوانند زمین‌های خود را به بهره‌برداری برسانند. امام ابو یوسف می‌فرماید: «به افراد بی‌بضاعت از بیت‌المال قرض داده می‌شود که در آن کار کند.» یعنی در زمین. همان طور که بیت‌المال به کشاورزان برای زراعت قرض می‌دهد؛ باید به کسانی که کارهای شخصی انجام می‌دهند، نیز قرض بدهد تا بتوانند نیازهای اولیه خود را برطرف سازند. عمر رضی الله تعالی عنه به کشاورزان از بیت‌المال پول پرداخت کرد؛ زیرا برای پیشبرد زندگی خود به آن پول نیاز داشتند. از این رو به کشاورزان ثروتمند برای افزایش تولیدشان پولی پرداخت نمی‌شود. دیگر افراد نیز باید به کشاورزان قیاس شوند و فقط به کسی قرض داده می‌شود که در پیشبرد زندگی خود مشکل داشته باشد. رسول الله صلی الله علیه و سلم به شخصی یک طناب و تیشه داد تا هیزم بزند و از طریق آن امرار معاش کند.

ترک ربا موقوف به این نیست که جامعه اسلامی، دولت اسلامی یا قرض دهنده موجود باشد؛ بلکه ربا حرام بوده و باید ترک شود، خواه دولت اسلامی موجود باشد یا نباشد، جامعه اسلامی موجود باشد یا نباشد و یا قرض دهنده موجود باشد یا نباشد.